

با حضور اصحاب و تابعین در مدینه از همان زمان رحلت نبی اکرم شکل گرفت و غالباً تا زمان عمر بن عبد العزیز مروانی با آن مبارزه و مقابله می‌شد. کتاب سلیم بن قیس هلالی و کتابها حدیثی شاگردان علی علیه السلام محصول این مکتب است. حضور اهل بیت علیهم السلام و اصحاب سر ایشان در مدینه و تلقی و انتشار معارف خاندان نبوت مهمترین مشخصه این مکتب است. نخستین انحراف در مکتب شیعه در مدینه و پس از شهادت زید بن علی بود که جریان مدعیان زیدیه با همه گرایشها و انشعابهایش شکل گرفت.

#### مکتب حدیثی کوفه

۸۵۰ نفر از تابعان در سالهای پس از ۱۴۵ قمری در کوفه ساکن گشته بودند و از این رو مکتب حدیثی در آنجا به طور جدی و جامع شکل گرفت. اما مدرسه حدیثی اهل سنت در کوفه به زمان فتوحات و تاسیس کوفه و با حضور اصحابی مانند عبد الله بن مسعود باز می‌گردد که با حضور مالک بن انس به اوج رسید. یکی از عوامل گرایش شیعیان، به ویژه محدثان کوفی، به سمت تدوین منابع حدیثی، تأکیدات امام باقر و صادق علیهما السلام بر کتابت و حفظ احادیث بود: «اكتبوا فانکم لا تحفظون حتی تکتبوا»، «القلب یتکل علی الکتابه» و «احتفظوا بکتبکم فانکم سوف تحتاجون الیها».

- مکتب کوفه در مقابل مکتب مدینه مطرح است و از طرفی در مقابل مدرسه رأی و اجتهاد بغداد مطرح است. «مفضل بن عمر جعفی»، «هشام بن حکم»، «مؤمن الطاق، هشام بن سالم» و «ابان بن تغلب کوفی» از اشخاص مؤثر این مکتب هستند.

- بویژه حضور دو ساله امام صادق علیه السلام در کوفه بزمان ابوالعباس سفاح فرصت مناسبی برای استحکام بخشیدن به ارکان این مکتب بوده است؛ روایت نجاشی از حسن بن علی بن زیاد و شاء نقل کرده است که به ابن عیسی القمی گفت: «من در این مسجد (مسجد کوفه) نهصد شیخ را درک کردم که همگی می‌گفتند: جعفر بن محمد مرا چنین گفت ...»

- خاندانهای مهم کوفی که راویان بزرگی داشتند عبارت بودند از: بیت آل اعمین، بیت آل حیّان تغلبی، بیت بنی عطیّه، بیت بنی درّاج. پیدایش و شکل‌گیری اصول کلی استنباط احکام و عقاید اسلامی مبتنی بر آموزه‌های اهل بیت علیهم السلام از مهمترین مشخصه‌های این مکتب است.

- از ویژگی‌های مهم مکتب حدیثی کوفه، پرداختن محدثان این حوزه به تدوین و کتابت منابع حدیثی ذی قیمتی است که کمّاً و کیفاً قابل توجه است. به جرأت می‌توان مدّعی شد که بخش عمده‌ای از ۶۶۰۰ کتابی که شیخ حرّ عاملی در آخر فائده چهارم از وسائل الشیعه، تدوین آن‌ها را به قدمای شیعه اثنی عشری که معاصر ائمه علیهم السلام بوده اند نسبت می‌دهد، توسط محدثان کوفی تدوین گشته است؛ و ثمره همین کتاب‌های مدوّن، پیدایش «اصول اربعه‌أه» بود. البته این مجموعه‌های مدوّن در ابتدا شکل مجموعه‌های روایی شخصی داشت که یک راوی مجموع مسموعات حدیثی خود را یک جا جمع کرده بود که بعدها تبویب گشته و شکل منظم تری به خود گرفت.

- توجه به روایات علاجیه از دیگر ویژگیهای مکتب حدیثی کوفه بود. این بدان جهت بود که در این حوزه حدیثی، به خاطر عواملی، اختلاف راویان درباره احادیث بالا گرفت و به خاطر بروز جعل و تحریف و خلط در حدیث، و نقل روایات متعارض با یکدیگر، محدثان میرز شیعی ناچار به مراجعه نزد ائمه علیهم السلام شده و درباره علاج دو یا چند خبر متعارض کسب تکلیف کردند. و لذا امامان شیعه علیهم السلام نیز آنان را ضمن راهنمایی‌هایی که اکنون «به اخبار علاجیه» موسوم است و در منابع اصولی و رجالی نقل شده، هدایت می‌کردند. البته طبیعی است در نقاطی مثل

کوفه، بیش از مدینه، نیاز به اخبار علاجیه احساس شود؛ چرا که بعد مسافت، و قلت ارتباط مستقیم محدثان شیعی با امام معصوم علیه السلام و از سوی دیگر، برخورد با مخالفان و بروز دسّ و جعل و تحریف در اخبار، موجب پیدایش تعداد زیاد اخبار متعارض می شد.

- شکل گیری جریانهای انحرافی در مکتب شیعی در کوفه پس از عصر امام صادق علیه السلام بوده است. از جمله آن که این حوزه حدیثی یکی از مراکز فعالیت گروه های غالی شیعه بوده است. ابوالخطاب اسدی که رهبر فرقه غالی خطّابیه بود. از دیگر جریانهای انحرافی که در میان برخی محدثان کوفی ظاهر شد گروه «واقفیه» بود که به خصوص در کوفه و توسط «علی بن ابی حمزه بطائنی» و برخی از همفکران وی پدید آمد. اینان از جمله کسانی بودند که برای تأیید مذهب باطل خویش به جعل و تحریف حدیث، اقدام می نمودند، ولی روشن گری های امام رضا علیه السلام و برخی اصحاب خاص آن حضرت همچون «یونس بن عبدالرحمن» و غیر او، موجب شد حتی گروندگان اولیه به گروه واقفه نیز رفته رفته از این دیدگاه باز گردند.

#### مکتب حدیثی بغداد

با انتقال ائمه علیهم السلام توسط خلفای عباسی به بغداد مکتب حدیثی بغداد شکل گرفت و پس از انتقال امام جواد علیه السلام و در پی انتقال امامین عسکرین علیهما السلام به سُرْمَن رَأی (سامرا) هر چند زمینه ملاقات مستقیم محدثان شیعی کوفه با آنان کمتر فراهم بود ولی از خلال روابط مخفی آنان با حضرات معصومین علیهم السلام به ویژه از طریق کانال ارتباطی مخفی وکالت، حدیث کوفیین خود را از آسیبهای جدی حفظ نمود و این مکتب در بغداد نیز رواج یافت. در این زمان انتصاب برخی از شیعیان به سمت هایی از جمله وزارت و دبیری بی تأثیر نبود و طبیعتاً در رشد دامنه حدیث شیعی در بغداد نقش خوبی داشت. نجاشی در شرح حال فضل بن سلیمان، معروف به کاتب بغدادی، گفته است: «او در زمان منصور و مهدی عباسی، حساب خراج و مالیات ها را می نوشت و از راویان امام ششم و هفتم علیهما السلام بود». علی بن یقظین نیز تا پست وزارت، ارتقاء یافت و توانست با سلاح تقیّه، جز در چهار سال آخر عمر خود، این مقام را حفظ نماید؛ و در آن سال بود که بر اثر سعایت بدخواهان، همچون مولای خود، امام موسی بن جعفر علیه السلام به زندان افتاد. یکی دیگر از دلایل مهم رشد حوزه حدیثی شیعه در بغداد و مهاجرت شیعیان به این منطقه، جلب و احضار تنی چند از امامان بزرگوار شیعه به این شهر، از سوی حکام عبّاسی بود. این امر که در اواخر قرن دوم و نیمه اول قرن سوم هجری اتفاق افتاد، موجب شد که با مهاجرت و اسکان عدّه ای از شیعیان به بغداد، برخی از محلات این شهر رنگ شیعی به خود گرفته و به مرکز تجمع و تحرک شیعیان در برابر مخالفان تبدیل شود؛ به عنوان نمونه، می توان به «محلّه کرخ» بغداد اشاره نمود؛ این نقطه بارانداز شهر بغداد و در قسمتی خارج از شهر واقع بوده است. تعداد زیادی از راویان برجسته شیعه در بغداد گرد آمدند که به عنوان نمونه می توان به محمد بن ابی عمیر، عبدالرحمن بن الحجاج، یونس بن عبدالرحمن، سعید بن جناح، سندی بن الربیع، عیسی بن جوهری، نصر بن سوید، یعقوب بن یزید، و هشام بن الحکم اشاره نمود. حضور جامع نویسان بزرگ شیعه.

#### مکتب حدیثی قم

بنا به نقل نجاشی «ابراهیم بن هاشم کوفی قمی» اولین کسی بود که حدیث کوفیین را در قم نشر داده است. قم به عنوان مرکز دیرپای تشیع در ایران از اواخر قرن اول هجری به عنوان کانون حضور شیعیان و علاقمندان به خاندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قلمداد می شد. روایات اهل بیت علیهم السلام درباره امتیازهای قم و شیعیان مقیم آن، حاکی از جایگاه رفیع این حوزه حدیثی در نزد امامان شیعه علیهم السلام است. تعبیری همچون: «قم بلدنا و بلد شیعتنا»، «أهل قم أنصارنا»، «و ان لنا حرما و هو بلدة قم»، «فی قم شیعتنا و موالینا»، «انّ البلیا مدفوعه عن قم و أهلها»، «سلام الله علی اهل قم و رحمة الله علی اهل قم...» و یا «لولا القمّیون لضاع الدّین» در میان این روایات به چشم می خورد. دو مشخصه اصلی مکتب حدیثی قم:

#### ۱ نصّ گرای و پرهیز از اجتهاد و عقل گرایی

یکی از مشخصه های اصلی مکتب حدیثی قم، گرایش شدید به عمل بر طبق ظاهر احادیث و پرهیز از دخالت دادن عقل و اجتهاد در فهم و نقّادی معنای احادیث است. محدثان مکتب قم علاقه ای به تحلیل به خصوص مسائل کلامی بر اساس مبانی متّخذ از عقل نشان نمی دادند؛ به عنوان نمونه، شیخ صدوق،

که به اعتباری نماینده قدرتمند فکری مکتب قم محسوب می شود، یک کتاب کلامی به معنای مصطلح ندارد و آنچه هست مجموعه ای از احادیث در زمینه اعتقادات است. «نصّ گرای» یا گرایش «اهل الحدیث» در مکتب قم، در عصر غیبت صغری و پس از آن، دنباله رو و استمرار گرایش سنت گرای دوره حضور ائمه علیهم السلام بوده است، و همّت خود را بر جمع آوری احادیث و ضبط و حفظ آن مصروف می داشت. هواداران این مکتب، با اجتهاد و کوشش فکری بر اساس استنباط تعقلی، میانه ای نداشتند و حتی استدلال های عقلی و کلامی را که برای تقویت مذهب و در حمایت از نگرگاه های شیعی به کار می رفت محکوم می نمودند.

۲ دیدگاه خاصّ نسبت به غلوّ و غلات

در بررسی نحله های فکری موجود در عصر ائمه علیهم السلام به سه اصطلاح معروف «غلات»، «مفوضه» و «مقصره» برمی خوریم که در تقابل با یکدیگر بوده اند. مفوضه به خصوص غلات گروهی بودند با چهره نه چندان مطلوب، که از سوی اصحاب ائمه علیهم السلام متّهم به عقاید غلوآمیز نسبت به ذوات مقدّسه معصومین علیهم السلام و برخی ویژگی هایشان همچون آگاهی به علم غیب، عصمت در معنای عالی آن و ... می شده اند. مفوضه نیز در واکنش به این اتّهام (غلوّ)، مخالفین خود را به تقصید درباره ائمه علیهم السلام متّهم ساخته و لقب «مقصره» را بر آنان اطلاق می کردند. این تقابل و کشمکش در طول قرن دوّم (به خصوص از نیمه دوّم آن) و قرن سوّم و تا پایان قرن چهارم برقرار بود. از جمله کسانی که همواره در معرض حملات مفوضه قرار داشته و لقب «موهن» و «مقصره» را از آنان دریافت می کردند، علما و محدثان حوزه علمی و حدیثی قم بودند. بنا به گزارشی مردم قم یک بار کوشیدند یک راوی حدیث شهر خود در قرن سوّم هجری را که متّهم به داشتن اعتقادات غلوآمیز و هواداری از چنان افکاری بود، به قتل برسانند ولی چون دیدند او نماز می خواند از این کار خودداری کردند. این راوی، «ابوجعفر محمد بن اورمه القمی» بود که نجاشی کتابی در ردّ غلات به او نسبت داده است، که شاید به خاطر همان سر و صداها و در همان بحبوحه برای تبرئه خود از اتّهام مزبور تألیف کرده بود. با این همه، در یکی از آثار منسوب به او، گرایش های باطنی گری و برخی مطالب از آن دست دیده شده است.

مکتب عقلی و اجتهادی

مکاتب کلامی

مکاتب حدیث گرا یا اخباری

مکاتب کلامی منطقی گرا

این مکاتب دو دسته هستند:

الف. مکاتب عقل گرای بدون فلسفه

در قرن چهارم با ظهور شیخ مفید و شاگردانش سید مرتضی و شیخ طوسی.

ب. مکاتب عقل گرای فلسفی

پس از خواجه نصیر.

مکاتب فلسفی

مکاتب فلسفی افراطی

مانند زکریای رازی که به انکار بخش عمده ای از معارف اسلامی منجر شد.

مکاتب فلسفی معتدل

مکاتب مشائی، اشراقی و متعالیه که می گویند: «تَبّاً لِفَلْسَفَةِ لَيْسَ مَطَابِقاً لِلشَّرِيعَةِ الْإِلَهِيَّةِ»